

الصوارم المهرقة

[232] عمر کند قتل کنند الا وقتی که سب پیغمبر کرده باشد اما سخنی گویم که روشنی چشم تو وهر مؤمنی باشد وآن اینست که حکم این عصر وعصر سابق در این باب تفاوت دارد وحکم خارجي وشيعي که شبهه بر او مستولی شده یا بتشبيه در عقائد که او را با آباء دست داده نابایست می گوید وحکم دیگری یکسان نیست چه امروز ابي بکر وعمر در نفوس بنوعي نشسته که کسی که تهجم بر سب وقبح در ایشان کند که نه از طوائف خوارج وروافض باشد این نشانه خلاعت اوست از دین چه ایشان ودین امروز کالمتلازمین اند فیما يعرف الناس واین حکم از ابي بکر وعمر بمثل شافعي وابی حنیفه نیز متعدی گردد در مرتبه بل بهمه ائمه دین وعلماي متقین که چون کسی نبایست در باره ایشان گوید بنوعي که خلاعت از آن معلوم شود کافر است چه نشانه عداوت دین است چه عالم فیما يعرف هو به صاحب دین است پس کسی که او را دشمن دارد دین را دشمن میدارد والاچه مرگ دارد " انتهى. ویزید ذلك وضوحا ما ذكره بعض فضلاء أهل السنة في شرحه للشفاء المذكور حيث قال في شرح فصل عقده مصنف الشفاء لبيان حكم الفرق المعتقدین غیر اعتقاد أهل السنة من المشبهة والمجسمة والمعتزلة والشيعة وغيرهم " انه يفهم من كلام المصنف في هذا المقام ان لمالك واصحابه اقوالا بالتكفير والقتل ان لم يقع لهم توبة وهو مشکل لأن القول بالتكفير في مثل هذا المقام اعني مقام " التأويل والاجتهاد يتعين عنه الابعاد لانه امر عظيم الخطر مهول في الدين القويم، تحسبونه هينا وهو عند الله عظيم، إذ هو عبارة عن الاخبار عن شخص ان عاقبته في الآخرة هو العقوبة الدائمة وانه في الدنيا مباح الدم والمال لا يمكن من نكاح مسلمة ولا يجرى عليه احكام الاسلام في حياته وبعد مماته والخطاء في ترك الف كافر اهون عند الله من الخطاء في سفك محجمة
